

جنون، استعاره و شر در مسخ



ترجمه‌ی فرزاد کریمی

هارولد بلوم

سلسله جستارهایی از: ژرژ باتای، مارک اندرسون، الیزابت مک اندرو، استنلی کرنگلد و دیگران
درباره‌ی مسخ، اثر یگانه‌ی فرانتس کافکا



جنون، استعاره و شر در مسخ

این کتاب با کاغذ کتاب سبک یا بالکی (Bulky Paper) فرآورده
کشورهای اروپایی، چاپ شده و در فرآیند تولید آن، هیچ گونه آسیبی
به محیط زیست نرسیده است، و مطالعه با آن لذت بخش تر است.



سرشناسه:	بلوم، هارولد، ۱۹۳۰-
عنوان و پدیدآور:	Bloom, Harold جنون، استعاره و شر در مسخ: سلسله جستارها و نوشتاری در باب نقد مسخ، اثر یگانه‌ی فرانتس کافکا.../ هارولد بلوم؛ ترجمه‌ی فرزاد کریمی.
عنوان قراردادی:	مسخ. شرح
مشخصات نشر:	تهران: مروارید، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری:	۱۴۵ ص
شابک:	978-964-191-993-3
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.	
یادداشت:	عنوان اصلی: Franz Kafka's The Metamorphosis
یادداشت:	کتاب حاضر نقدی بر کتاب «مسخ» تألیف فرانتس کافکا است.
عنوان دیگر:	سلسله جستارها و نوشتاری در باب نقد مسخ اثر یگانه‌ی فرانتس کافکا.
عنوان دیگر:	تحریر استعاره در جهان کوکافکابین: درباره‌ی مسخ فرانتس کافکا.
موضوع:	کافکا، فرانتس، ۱۸۸۳-۱۹۲۴ م. مسخ - نقد و تفسیر
موضوع:	Kafka, Franz, 1883-1924. Verwandlung - Criticism and interpretation
موضوع:	داستان‌های کوتاه آلمانی - قرن ۲۰ م. - تاریخ و نقد
موضوع:	Short stories, German - 20 th century - History and criticism
شناسه افزوده:	کریمی، فرزاد، ۱۳۶۸-، مترجم
رده‌بندی کنگره:	PT ۲۶۳۲
رده‌بندی دیویی:	۸۳۳/۹۱۲
شماره کتابخانه ملی:	۸۸۱۴۲۵

جنون، استعاره و شر در مسخ

زیر نظر
هارولد بلوم

ترجمه‌ی
فرزام کریمی

نوشته‌هایی از هارولد بلوم، ژرژ باتای، مارک اندرسون، الیزابت مک‌اندرو،
استنلی کرنگلد و دیگران در تحلیل مسخ، اثر یگانه‌ی کافکا

This is a Persian translation of
Franz Kafka's The Metamorphosis

by: **Harold Bloom**
Translated by: **Farzam Karimi**

Morvarid Publication
Iran, Tehran, 2023



انتشارات مروارید

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان وحید نظری، پلاک ۲۹ / کد پستی ۱۳۱۵۶۸۵۵۳۳
دفتر: ۶۶۴۰۰۸۶۶ - ۶۶۴۱۴۰۴۶ - ۶۶۴۸۴۶۱۲ فاکس: ۶۶۴۸۴۰۲۷
<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>
www.morvarid.pub: تخفیف و ارسال رایگان



جنون، استعاره و شر در مسخ

هارولد بلوم

ترجمه‌ی فرزاد کریمی



تولید فنی: الناز ایللی

صفحه‌آرایی: تینا حسامی



چاپ اول: زمستان ۱۴۰۱

چاپخانه: هوران

شمارگان: ۳۳۰

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۹۹۳-۳ ISBN 978-964-191-993-3

۹۰۰۰۰ تومان

فهرست

- ۱۳..... درباره‌ی سرویراستار و منتقد: هارولد بلوم.
 ۱۴..... بخش اول: نیویورک، هارولد بلوم، اضطراب تأثیر.....
 ۱۹..... بخش دوم: نقد دین، شکسپیر، در جستجوی خرد.....
 ۲۴..... بخش سوم: نظریه‌ی نفوذ، آناتومی تأثیر، آگاهی.....
 ۳۰..... بخش چهارم: وجدان نقد، عقلانیت امپرسیونیستی و مرگ.....
 ۳۳..... سخن سرویراستار.....
 ۵۰..... آنچه از کافکا می‌دانیم.....
 ۵۰..... نگاهی به زندگی فرانتس کافکا.....
 ۵۵..... آنچه باید در باب کافکا بدانیم/ ژرژ باتای.....
 ۷۴..... تحلیل شخصیت‌های رمان مسخ.....
 ۷۷..... روایت در پس داستان.....
 ۸۱..... خلاصه و تجزیه و تحلیل مسخ.....
 ۹۷..... نقد و تجزیه و تحلیل مسخ، اثر فرانتس کافکا.....
 ۹۹..... با نویسندگان جستارها بیشتر آشنا شوید.....
 ۱۰۱..... در باب مسخ/ ژرژ باتای.....
 ۱۰۳..... بهره‌گیری از حشرات به‌عنوان استعاره در مسخ/ مارک اندرسون.....
 ۱۰۵..... قیاس مسخ و داوری/ جورج جییان.....
 ۱۰۷..... بازگونه‌سازی رابطه‌ی میان پدر و پسر در مسخ/ الیزابت مک‌اندرو.....
 ۱۱۰..... قیاس فرانتس کافکا و آلفرد کوپین/ فیلیپ راین.....
 ۱۱۴..... روابط خانوادگی در مسخ/ پیتر استین.....

- ۱۱۷.....تحریف استعاره / استنلی کرنگلد
- ۱۲۰.....مضامین در مسخ / مایکل روو
- ۱۲۳.....پیشینیان کافکا / مارک اسپیلکا
- ۱۲۹.....برداشت نادرست در مسخ / آلن تیهر
- ۱۳۲.....پی‌نوشت‌ها

سخن مترجم

آنچه باید در این مقدمه درباره‌ی هارولد بلوم برای آشنایی مخاطب با وی نیز بیان کرد، طبقه‌بندی مختصری از آثار وی است. دسته‌ی اول آثار هارولد بلوم آثار نظری هستند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نظریه‌ی «اضطراب تأثیر» اشاره کرد. این نظریه یکی از گونه‌های «بینامتنیت» است که در نیمه‌ی دوم قرن بیستم مطرح شد. در «اضطراب تأثیر» بیش از همه بر روانکاوی و دیدگاه‌های فروید تأکید دارد، روابط خویشاوندی میان متون به‌ویژه برای تبیین روابط متن‌های متعدد با یک پیش‌متن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. او در این زمینه نظریه‌ی دیرآمدگی یا پس‌آمدگی را مطرح می‌سازد. بر اساس این نظریه، شاعرانی مانند شکسپیر^۱ یا میلتون^۲ حادثه‌ای را نقل کرده‌اند که شاهد آن بوده‌اند، و شاعران پس از آن، که دیرآمده‌ها نامیده می‌شوند چاره‌ای جز ادامه‌دادن راه شاعران پیشرو ندارند. این دیرآمده‌ها درگیر وضعیت دوگانه‌ای هستند. زیرا از یک سو برای ایسن که آن روایت بزرگ را نقل کنند، باید از شاعر پیشین، که حکم پدر را دارد، تقلید کنند و برای این که اصیل و برجسته باشند، باید روایت را واسازی نمایند. این وضعیت تعلیق موجب می‌شود تا شاعران پس‌آمده یا دیرآمده دچار «اضطراب تأثیر» شوند. «اضطراب تأثیر» مانند همه‌ی اضطراب‌ها موجب فعال‌شدن سازوکار دفاعی

می‌شود. سازوکارهایی که ناخودآگاه می‌کوشند تا موجب برطرف‌شدن دلهره و اضطراب شوند. از نگاه بلوم مهم‌ترین واکنش شاعران پسین همانا بدخوانی شاعر پیشین است. آن‌ها از این سازوکار برای خلق اثر و حفظ اصالت استفاده می‌کنند. به عبارت دقیق‌تر، آن‌ها می‌کوشند تا با تقلید، روایت را نقل و با بدخوانی به خلق خود اصالت ببخشند. وی در بازبینی خویش در کتاب «اضطراب تأثیر» از شش دوره برای تشریح نظریاتش بهره می‌گیرد که این دوره‌ها مدام در این کتاب تکرار می‌شوند. این ادوار عبارت‌اند از:

کلینامن^۱: عبارتی است که نخستین بار لوکرتیوس^۲ برای پیش‌بینی انحراف مسیر اتم‌ها از آن استفاده کرده بود. این نظریه درباره برخورد اتم‌ها و شیوه‌ی انحراف‌شان از مسیرهای ثابت بحث می‌کند. این نظریه همچنین بیان می‌کند که در صورت عدم انحراف اتم‌ها، هیچ‌گاه دنیای مادی به وجود نمی‌آمد. لوکرتیوس در قالب این دیدگاه، نخستین بار نظریه‌ی آشوب را مطرح کرد؛ اما هارولد بلوم از این اصطلاح برای بدخوانی شاعران بهره می‌گیرد. شاعر (اتم) با منحرف‌شدن از ماده حرکتی اصلاحی را رقم می‌زند. این انحراف بیانگر آن است که ماده به سمت نقطه‌ی امنی پیشروی خواهد کرد و انحراف در راستای شعر نو (معاصر) رخ خواهد داد.

تسرا^۳: اصطلاحی است که از آن در فرهنگ‌های باستانی به عنوان نشانه‌ای برای شناسایی بهره می‌گرفتند. بلوم از این اصطلاح برای بیان تکامل و تناقض بهره می‌گرفت. در این نگاه نویسنده در کار خود پیشرو است و به آن معنای جدیدی می‌بخشد.

کنوزیس^۴: اصطلاحی است که در مسیحیت به معنای تقلیل جایگاه عیسی از مقام پیامبری به جایگاه انسانی به کار می‌رود. بلوم این اصطلاح را به مثابه دستگاه روان ما، که درهم‌شکننده‌ی سازوکارهای دفاعی در برابر اجبارهای مدام است، در نظر می‌گیرد. به عبارت دیگر، آن را حرکتی به سوی عدم تجانس می‌داند. به این منظور که شاعر خود را خاضع می‌پندارد، به حدی که گویا از شاعری دست کشیده

1. Clinamen

2. Titus Lucretius Carus

3. Tessera

4 Kenosis

است و دیگر در کار خود پیشرو و تأثیرگذار بر نسل‌های بعد نیست؛ شاعر این کار را به‌نحوی انجام می‌دهد تا شاعران نسل‌های بعد نتوانند به خود تفاخر کنند. دیمنایزیشن^۱: این اصطلاح نوافلاطونی^۲، که در زبان فارسی از معادل «شیطان‌سازی» برای آن بهره گرفته‌اند، اشاره به واسطه‌ای دارد که آن واسطه نه الهی و نه انسانی است. بلم از آن برای اشاره به این موضوع بهره می‌گیرد که قدرت در شعر نسل‌های بعد، از چیزی فراتر از شعر بهره گرفته است و به‌این‌ترتیب، بلم اشاره به اشعار منحصر به فرد شعرای پیشین دارد.

اسکیزیز^۳: هارولد بلم این عبارت را از فیلسوفان پیشاسقراطی^۴ وام گرفته است و معادل فارسی آن ریاضت است. بلم برای تشریح این دوره آن را تنقیه می‌نامد و عنوان می‌کند که شاعران در این دوره برای تنقیه‌ی خویش به انزوا پناه می‌برند و برای جدا ساختن خویش از دیگران و تأکید بر فردیت خود تأثیر موهبت انسانی را بر خویش محدود می‌سازند. شاعر به‌رغم تأکید بر محدودیت‌ها و فردیت به‌سان شاعران پیشرو عمل می‌کند.

آپوفردز^۵: بلم این اصطلاح را از مفهومی آتنی وام گرفته است؛ به معنای روزهایی است که مردگان برای سکونت در خانه‌هایی که زمانی در آن زیست می‌کردند به آن باز خواهند گشت. او این اصطلاح را با عنوان بازگشت مردگان تعریف می‌کند و در شرح آن می‌گوید که شاعر در اواخر عمر خویش تعمداً بر شاعران نسل‌های پس از خود تأثیری غیرطبیعی خواهد گذاشت.

دسته‌ی دوم آثار بلم آن دسته از آثار هستند که به آثار تم (فضا) محور شهرت دارند. به‌عنوان مثال، بلم توانسته در زمینه‌ی آثاری نظیر کم‌دی سیاه^۶، رؤیای آمریکایی^۷، گروتسک^۸، هزارتو^۹، نافرمانی مدنی^{۱۰} و آثار دیگر و با کمک گرفتن از جمعی از استادان دانشگاهی اروپایی و آمریکایی به تجزیه و تحلیل دقیق پردازد و از این منظر به دسته‌بندی متفاوتی از آثار رمان‌نویسان غربی برسد.

دسته‌ی سوم که بخش وسیعی از نقدهای بلم را تشکیل می‌دهند خود به

1. Daemonization

2. Neoplatonism

3. Askesis

4. pre-Socratic

5. Apophrades

6. Dark Humor

7. American dream

8. THE GROTESQUE

9. The Labyrinth

10. CIVIL DISOBEDIENCE

چندین دسته تقسیم‌بندی می‌شوند: نویسندگان کلاسیک، نویسندگان معاصر، شعرای کلاسیک، دوره‌های ادبی و شعری.

در این بخش بلوم با نقدهایی جامع ارادت ویژه‌اش را به نویسندگان کلاسیک از قبیل شکسپیر نشان می‌دهد. این ارادت به‌حدی است که او بر تمام سی‌وهشت نمایشنامه شکسپیر نقد و تجزیه و تحلیل‌های جامعی در قالب کتاب نوشته است. علاوه بر این، به‌رغم آن‌که شکسپیر را خالق بشر می‌دانست دایره کلاسیک‌نویسی‌اش را محدود به شکسپیر نکرد و بر روی آثار سایر کلاسیک‌ها نظیر دانته^۱، سوفوکلس^۲، چاسر^۳، سروانتس^۴ و چند تن دیگر هم تجزیه و تحلیل‌های جامعی ارائه داد.

وی بر روی آثار اکثریت نویسندگان و شاعران معاصر هم با همکاری سایر اساتید دانشگاهی اروپا و آمریکا نقدها و تجزیه و تحلیل‌های دقیقی را ارائه داد و آن‌ها را در قالب کتاب منتشر کرد از رالف والدو امرسون^۵ تا جوزف کنراد^۶، ویلیام فاکنر^۷، ارنست همینگوی^۸، داستایوفسکی^۹، تولستوی^{۱۰}، تونی مورسون^{۱۱}، جیمز بالدوین^{۱۲}، آلیس واکر^{۱۳}، کیت شوپن^{۱۴}، چارلز دیکنز^{۱۵}، امیلی پروتیه^{۱۶}، جین آستن^{۱۷}، رابرت فراست^{۱۸}، توماس الیوت^{۱۹}، هرمان هسه^{۲۰}، میلان کوندرا^{۲۱} و دیگران تنها تعداد کمی از اسامی هستند که در کارنامه‌ی سترگ وی به چشم می‌خورند. او بسیار به مطالعه پرداخت و آثار زیادی را از خویش به‌جای گذاشت و به همین دلیل است که می‌توان گفت جهان در عرصه‌ی نقد ادبی پس از قرن بیستم و ظهور غول زیبایی نظیر هارولد بلوم دیگر منتقدی به خویش ندیده است که حتی بتواند تا حدودی به وی نزدیک شود. از همین‌رو است که به‌زعم نگارنده

1. Dante Alighieri
3. Geoffrey Chaucer
5. Ralph Waldo Emerson
7. William Faulkner
9. Fyodor Dostoevsky
11. Toni Morrison
13. Alice Walker
15. Charles John Huffam Dickens
17. Jane Austen
19. T. S. Eliot
21. Milan Kundera

2. Sophocles
4. Don Miguel de Cervantes
6. Joseph Conrad
8. Ernest Hemingway
10. Leo Tolstoy
12. James Baldwin
14. Kate Chopin
16. Emily Brontë
18. Robert Frost
20. Hermann Hesse

می‌توان او را غولی زیبا و دست‌نیافتنی دانست که با آثارش هر آنچه را که پیشینیان نیمه‌تمام گذاشته و یا به آن نپرداخته بودند به‌واسطه‌ی زحمات و تلاش‌های بی‌وقفه‌اش به سرانجام رساند. کما این‌که شیوه‌ی پرداخت وی به نحوی بوده است که در برخی آثار به مطالعه‌ی موردی آثار نویسندگان (به‌عنوان مثال غرور و تعصب^۱ اثر جین آستن) و در بخشی دیگر از آثار نقدی جامع به اکثریت آثار یک نویسنده داشته است.

وی همچنین دارای کتاب‌های جامعی در تقسیم‌بندی دوره‌های ادبی و شعری است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به آثاری مانند *اشعار رمانتیک انگلیسی* (مطالعات دوره‌ای)^۲، *غزلواره‌ها* (شکسپیر هارولد بلوم در گذر سال‌ها)^۳، *رسانس هارلم*^۴، *شاعران زن آمریکایی*^۵، *رمان‌نویسان و رمان‌ها* (رمان‌نویسان قرن بیستم)^۶، *رمان‌های انگلیسی قرن هجدهم*^۷، *شاعران جنگ جهانی اول*^۸، *رسانس ایتالیایی*^۹ و چند اثر دیگر نیز اشاره کرد.

درباره‌ی کتاب حاضر درخور اشاره است که آنچه بر اهمیت مطالعه‌ی چنین اثری (استعاره، جنون و شر در مسخ) خواهد افزود، و رای نگاه هارولد بلوم و سایر محققان سرشناس دانشگاهی، ریزینی و دقت مثال‌زدنی آن‌ها در تجزیه و تحلیل مسخ اثر فرانزس کافکا است به‌نحوی که مخاطب باید پس از مطالعه‌ی چنین اثری بار دیگر مسخ را از نو بخواند.

در پایان، متواضعانه ترجمه‌ی این اثر را به دکتر بهزاد برکت تقدیم می‌کنم که افتخار آن را داشتم تا در دوره‌ای از زندگانی‌ام از محضر ایشان بیاموزم، آموزگار همیشگی‌ام که خوانش خط به خط ترجمه‌هایش کلاس درسی برای آن دسته از مترجمانی است که به‌واسطه‌ی برخی ناشران در خیال واهی مترجم بودن و صاحب‌نظر بودن به‌سر می‌برند. بی‌شک تنها یادآوری خاطرات آن برهه از زندگی‌ام

1. *Pride and Prejudice*

2. *The English Romantic Poets*

3. *The Sonnets* (Bloom's Shakespeare Through the Ages)

4. *The Harlem Renaissance*

5. *American Women Poets*

6. *Novelists And Novels*

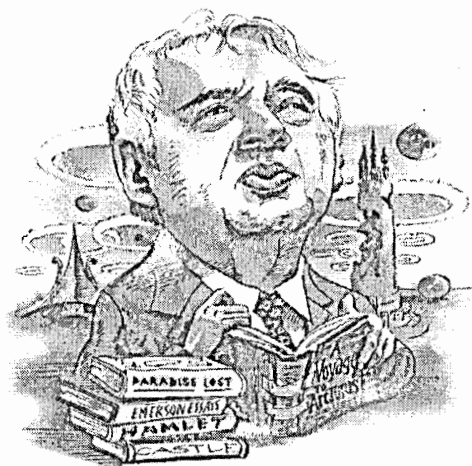
7. *The Eighteenth-Century English Novel*

8. *Poets of World War I*

9. *The Italian Renaissance*

می تواند مرا تا حدی آرام کند. دوران جهالت، بلاهت و عشق های جاهلانه، آن گونه که خرد ورزیدن با شک به جهالت آغاز می گردد و نگاهم که بی شک و امدار خط فکری مرد سترگی چون بهمن محصص است. عشق اگر عشق باشد در درونت رخ می دهد و به سان واژگان کافکا تو را به حالت دام می اندازد، درونت را شعله ور می کند، تازیانه به دست رد خویش را بر اعماق قلبت به جای می گذارد و مانند واژگان کافکا با بی نظمی منحصر به فرد خویش مخاطب را مبهوت و سرگردان می کند. سطرهای اخیر را از ژرژ باتای وام گرفته ام. به تعبیر دکتر بهزاد برکت نویسنده باید ذاتاً نویسنده باشد آن گونه که بکت رد خویش را در ذهن ایشان حک کرده است. و البته به این معنا نیست که نویسنده باید خویش را فارغ از نقد، نظریه و آموختن آن ها بداند. زیرا نقد و نظریه نه تنها به معنای تخطئه نیست بلکه به مثابه عطر ناب فرانسوی به نوشتار خلاقانه و خلاقیت ذهنی نویسنده کمک خواهد کرد. تنها انسانهای واپسگرا و آنان که تمایل دارند در نقطه ای درجا بزنند، نسبت به نقد، موضعی به دور از عقلانیت می گیرند. جامعه ی بدون نقد، جامعه ی مرده است.

درباره‌ی سرویراستار و منتقد: هارولد بلوم



بخش اول: نیویورک، هارولد بلوم، اضطراب تأثیر
بخش دوم: نقد دین، شکسپیر، در جستجوی خرد
بخش سوم: نظریه‌ی نفوذ، آناتومی تأثیر، وجدان نقد
بخش چهارم: وجدان نقد، عقلانیت امپرسیونیستی و مرگ

بخش اول:

نیویورک، هارولد بلوم، اضطراب تأثیر

هارولد بلوم^۱، یازدهم جولای ۱۹۳۰ در برانکس نیویورک زاده شد و از بزرگ‌ترین منتقدان ادبی ایالات متحده‌ی آمریکا به‌شمار می‌رفت که با تفسیرهای خلاقانه‌ی خود درباره‌ی تاریخ ادبیات به شهرت رسید. هارولد در شهری به دنیا آمد که لقب سومین شهر پرجمعیت ایالات متحده‌ی آمریکا را یدک می‌کشید. مساحت برانکس چهل و دو مایل معادل صدونه کیلومتر مربع است و بر اساس سرشماری سال ۲۰۱۹ یک میلیون و چهارصد و هجده هزار و دویست و هفت نفر جمعیت دارد، شهر کوچکی که شاید آسمان‌خراش‌های عظیم نیویورکی را به خود ندیده اما از مراکز خرید، موزه‌ها و فضاهای سبزی برخوردار است که جذابیتش را دوچندان کرده است، شهری که نامش را از نام جوناس برونک^۲ وام گرفته است؛ شخصی که در سال ۱۶۳۹، یعنی زمانی که در این منطقه مستقر شد، آن را به‌عنوان مستعمره‌ی هلند برگزیده بود. برانکس شهری متشکل از ملیت‌های ایتالیایی،

1. Harold Bloom

2. Jonas Bronck

ایرلندی، آلمانی و اروپای شرقی بود. این منطقه به علت فضا‌های سرسبزش لوکیشن بسیاری از فیلم‌های سینمایی هالیوودی بوده است و از سویی هنوز هم روح موسیقی هیپ‌هاپ زیر پوست این شهر جریان دارد. از سوی دیگر، بسیاری از عشاق بیسبال به علت وجود استادیوم ورزشی معروف این شهر که قدمتش به دهه‌ی بیست میلادی بازمی‌گردد، مجنون‌تر از دیگران این رشته را دنبال می‌کنند. با این حال، میان این همه اتفاقات خوشایند که در این شهر رخ می‌دهد، هارولد بلومی زاده شد که ذهنش به جای پرسه زدن در کوچه‌ها، در صفحات کتاب‌ها پرسه می‌زد.

زبان مادری بلوم ییدیش^۱ بود و او پیش از انگلیسی، زبان عبری را نیز آموخته بود. وی در دانشگاه‌های کرنل (مقطع کارشناسی، ۱۹۵۱) و ییل (مقطع دکتری، ۱۹۵۵) تحصیل کرد و سال ۱۹۵۵ شروع به تدریس در دانشگاه ییل نمود؛ بلوم در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۴ نیز به تدریس در دانشگاه نیویورک مشغول بود. در جوانی بسیار تحت تأثیر کتاب *تقارن* (۱۹۴۷)، مطالعه‌ای درباره‌ی ویلیام بلیک، اثری از نورتروپ فرای^۲ بود و بعدها اذعان کرد که بدون شک فرای را بزرگ‌ترین و مهم‌ترین منتقد ادبی در زبان انگلیسی پس از والتر پیتتر^۳ و اسکار وایلد^۴ می‌داند.

بلوم کار خود را با تکنگاری‌هایی درباره‌ی پرسی شلی^۵ (اسطوره‌سازی شلی)، ویلیام باتلر ییتس^۶ (ییتس)، والاس استیونز^۷ (اشعار اقلیم ما) آغاز کرد که در اصل این تکنگاری‌ها مرتبط با رساله‌ی دکترای او بودند. در این آثار بلوم از رمانتیسیسم در برابر منتقدین نئومسیحی که تحت تأثیر توماس الیوت بودند و وی از مخالفان فکری آن‌ها بود، دفاع جانانه‌ای کرد. هارولد رویکردی ستیزه‌جویانه داشت: نخستین کتابش، *اسطوره‌سازی شلی*، بسیاری

۱. شاخه‌ای از زیرخانواده‌ی زبان‌های ژرمنی است که با الفبای عبری نوشته می‌شود. آمیختن ییدیش با زبان‌های اسلاوی آن را به دو شاخه‌ی شرقی و غربی تقسیم نمود.

2. Northrop Frye

3. Walter Pater

4. Oscar Wilde

5. Percy Bysshe Shelley

6. William Butler Yeats

7. Wallace Stevens

از منتقدان معاصر را متهم به بدخوانی و بی‌دقتی کرد.

بلوم پس از یک بحران شخصی در اواخر دهه‌ی شصت میلادی، علاقه‌ی عمیقی به رالف والدو امرسون، زیگموند فروید^۱ و سنت‌های کابالایی و هرمنیه^۲ پیدا کرد. مایکل پاکنهام^۳، سردبیر بخش کتاب و ادبیات نشریه‌ی خورشید بالتیمور، در مصاحبه‌ای با بлум در سال ۲۰۰۳ اظهار کرد که بлум به‌دفعات خود را عارفی یهودی می‌نامید، اما بлум در این باره عنوان کرد: «من از عرفان به‌عنوان رویکردی کلی بهره می‌جویم، یهودی بودن بخشی از هویت من است؛ کما این‌که من حاصل فرهنگ ییدیش هستم اما قادر به درک خدایی نیستم که دانا و توانا باشد و باوجود این اجازه دهد اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها وجود داشته باشد.»

وی تحت تأثیر مطالعات خویش، شروع به نوشتن مجموعه کتابی در باب اضطراب تأثیر کرد که به کشمکش‌های شاعران برای ساخت دیدگاه‌های شاعرانه‌ی منحصربه‌فرد می‌پرداخت، تا تز خود را این‌گونه تشریح کند که بی‌شک تمام شاعران معاصر به‌نوعی از پدر نخستین تأثیر گرفته‌اند و شاعران معاصر تحت تأثیر شاعران پیشین خود قرار دارند. نخستین کتاب این مجموعه، ییتس، با دیدگاه منتقدانه پیشه‌ی شاعری را به چالش کشید. بлум در پیشگفتار این کتاب، اصول بنیادین رویکرد نوین خود در نقد را بیان کرد: «به‌زعم من، تأثیر شاعرانه در گستره‌ی افسردگی و اضطراب قرار دارد. شاعران جدید با خواندن اشعار شعرای پیشین از آن‌ها برای شروع نوشتن خود الهام می‌گیرند، اما هنگامی که شاعران جدید پی می‌برند تمام آنچه که می‌خواهند بگویند پیش از این توسط شعرای پیشین گفته شده است، این تحسین به

1. Sigmund Freud

۲. فلسفه و مذهبی است که بر اساس نوشته‌های هرمنس تریسمجستوس ایجاد شد. این مکتب بر جنبش‌های عرفانی غرب بسیار تأثیر داشته و در دوره‌ی رنسانس و روشن‌زایی مورد توجه زیادی قرار گرفته است.

3. Michael pakenham

خشم و نارضایتی مبدل می‌شود. شاعران معاصر ناامید می‌شوند چراکه نمی‌توانند نخستین باشند و انسان‌های زیادی پیش از آن‌ها وجود داشته‌اند که همه‌چیز را گفته‌اند.»

به گفته‌ی بلوم، برای دوری جستن از این مانع روان‌شناختی، شاعران جدید باید متقاعد شوند که شاعران پیشین در جایی اشتباه کرده‌اند و نتوانسته‌اند موفق عمل کنند و به‌این‌ترتیب تنها در این صورت است که این احتمال وجود دارد آن‌ها بتوانند با نقض پیشینیان خود چیزی به آن‌ها بیفزایند. عشق شاعران جدید به قهرمانان خویش به خصومت نسبت به آن‌ها تبدیل می‌شود: «عشق اولیه به اشعار شعرای قدیمی به سرعت به ستیز مبدل می‌شود که بی آن فردیت‌گرایی غیرممکن خواهد بود.» در کتاب دوم این مجموعه (پس از بیتس) به نام «اضطراب تأثیر» که بلوم نگارش آن را سال ۱۹۶۷ آغاز کرده بود، او از اثری به نام «بار مسئولیت گذشته و شاعر انگلیسی» اثر والتر جکسون بیت^۱ یاد کرد و تاریخچه‌ی افسردگی شاعران قرن هفدهم و هجدهم میلادی را تشریح کرد و با اتکا به روانکاوی، به بررسی دستاوردهای معاصران در قیاس با دستاوردهای پیشینیان پرداخت. هارولد تلاش کرد تا فرآیند روان‌شناختی (روانکاوی)ی را دنبال کند که از طریق آن شعرا خود را از قید پیشینیان‌شان رها کرده و دیدگاه شاعرانه‌ی خود را به دست آورند. او تفاوت عمده‌ای میان شعرای توانمندی که با قاطعیت پیشینیان خود را نقض می‌کردند و شعرای ناتوانی که صرفاً ایده‌های پیشینیان خود را مانند اصول و قواعد دانسته‌اند و آن‌ها را تکرار می‌کردند، قائل بود. بلوم این فرآیند را به عنوان شکلی از نظریات نوین توصیف می‌کرد که هر شاعر توانمندی طی فعالیت خود، آن‌ها را پشت سر می‌گذارد.

با انتشار کتاب بیتس (۱۹۷۰)، بلوم شروع به گسترش نظریه‌ی نقد خود کرد و در کتاب *اضطراب تأثیر* (۱۹۷۳) انتقادهایی از بدخوانی را مطرح

ساخت که از این حیث توانست یکی از خلاقانه‌ترین نظریه‌های معاصر را تدوین کند. بر مبنای این نظریه، شاعر با خوانش نادرست آثاری که بر او تأثیر می‌گذارند، سبب خلق شعر می‌شود. آثاری از او همچون شخصیت‌هایی با قوه‌ی تخیل قوی (۱۹۷۶) و چندین کتاب دیگر در دهه‌ی هشتاد میلادی این مفهوم را گسترش می‌دهند.

شیفتگی بلوم به ادبیات فانتزی سبب شد تا وی به آزمون و خطا در رمان‌نویسی روی بیاورد و ماحصل آزمون و خطایش سبب شد تا او در ادامه‌ی رمان *سفری به ستاره‌ی ثرویین‌دار* اثر دیوید لیندسی^۱ رمانی با عنوان *پرواز تا لوسینفر* را بنویسد که تبدیل به تنها رمان نوشته‌شده توسط بلوم شد. او در این برهه کمی از جهان نقد فاصله گرفت.

بخش دوم:

نقد دین، شکسپیر، در جستجوی خرد

سپس بلوم دوران جدیدی را در زندگی خویش آغاز کرد که از آن به عنوان دوران نقد دینی یاد می‌کرد؛ این مرحله با نگارش کتاب *تابودی حقایق مقدس، شعر و باور به انجیل از گذشته تا به امروز* (۱۹۸۹) آغاز شد.

او و دیوید روزنبرگ^۱ (مترجم متون کتب مقدس) در کتاب جی (۱۹۹۰)، اسناد بسیار قدیمی از چندین اثر ادبی را منتشر کردند و انجیل را تأثیری عمیق از آن کتاب دانستند که البته آن اثر ادبی قصد بازتولید جزم‌گرایی دینی را نداشته است. آن‌ها این نویسنده‌ی گمنام را زنی در ارتباط با دربار پادشاهان بنی‌اسرائیلی معرفی کردند - این گمانه‌زنی توجه بسیاری را جلب کرد. بعدها بلوم اظهار داشت که گمانه‌زنی‌های آن‌ها کامل نبوده و احتمالاً باید جی را به عنوان «بث‌شبع»^۲ معرفی می‌کرده است. وی در کتاب «عیسی و یهوه: نام‌های الهی» (۲۰۰۵)، درحالی‌که با نگاهی منتقدانه به رویکردهای تاریخی می‌پردازد و ناسازگاری بنیادی مسیحیت و یهودیت را اثبات می‌کند، در بحث در باب اهمیت یهوه و عیسی ناصری به عنوان شخصیت‌های ادبی،

1. David Rosenberg

2. Bathsheba

بخش‌هایی از مطالب نوشته‌شده در کتاب جی را مجدداً بررسی می‌کند. بلوم در کتاب *دین آمریکایی* (۱۹۹۲) به بررسی اعتقادات مذهبی پروتستان‌ها و پساپروتستان‌ها پرداخت و اظهار داشت اکثر این باورها از نظر احاطه‌ی روان‌شناختی که بر پیروان خود دارند، بیشتر از آن‌که به مسیحیت شباهت داشته باشند، مشابه ادیان عرفانی هستند و از سویی پیروان یهوه استثنا و از نظر او غیرعرفانی هستند. وی در جایی دیگر پیش‌بینی کرد که در دهه‌های آینده محبوبیت مورمن‌ها و پنطیکاست‌های مسیحی از پروتستان نیز بیشتر خواهد شد. بلوم در کتاب *پیش‌بینی‌های هزاره* (۱۹۹۶) این عناصر مذهبی آمریکایی را برگرفته از سستی عرفانی می‌داند که نشان‌دهنده‌ی مجموعه‌ای از عقاید و تجربیات مرتبط با پیشگویی و تفسیر خواب و هزاره‌گرایی است.

بلوم در مقاله‌ی خود در کتاب انجیل توماس اظهار داشت که هیچ‌یک از گفته‌های توماس به زبان یونانی باقی نمانده‌اند. ماروین میر^۱ هم موافق بود و بر این عقیده بود که نسخه‌های قبلی انجیل توماس به احتمال زیاد به زبان یونانی نوشته شده بودند. ماروین میر پیشگفتار خود را با تأیید بخش عمده‌ای از مقاله‌ی بلوم به پایان رساند. بلوم تعلق عیسی به دنیایی دیگر را که در گفته‌های توماس مشهود بود، به پارادوکس عیسی آمریکایی نیز ارجاع می‌دهد.

شاید بتوان گفت که بزرگ‌ترین میراث بلوم علاقه‌ی او به سایر گونه‌های شعر و ادبیات است. این امر در برجسته‌ترین اثر وی تحت عنوان *کتب و مکاتب در گذر اعصار* (۱۹۹۴) مشهود است که در آن چندفرهنگ‌گرایی رایج در اواخر قرن بیستم را رد می‌کند. او در این باره گفت: «چندفرهنگ‌گرایی به منزله‌ی رهیافتی است که توسط مردمی که به انکار فرهنگ غالب خویش می‌اندیشند، تبیین شده است.» بلوم در یکی از مصاحبه‌هایش که سال ۱۹۹۵

منتشر شده بود، در مورد نویسندگان بزرگ جهان غرب اظهار داشت: «ما باید آثار شکسپیر، دانتی، چاسر، سروانتس، انجیل یا حداقل انجیل کینگ جیمز را مطالعه کنیم و آثار برخی نویسندگان را بخوانیم، چراکه آن‌ها دارای ارزش عقلانی هستند و به جرأت می‌توان گفت ما را به معنویتی می‌رسانند که هیچ‌گونه ارتباطی به ادیان و بنیان اعتقادات شخصی‌مان ندارد، بلکه به هر شکلی به ما یادآوری می‌کنند که باز هم باید به خودمان توجه کنیم. آن‌ها نه تنها آنچه را که از خاطر برده‌ایم به ما یادآوری می‌کنند، بلکه نکاتی را به ما گوشزد می‌کنند که ممکن بود بدون در نظر گرفتن‌شان به بطن موضوعی پی نبریم. بنابراین آن‌ها تشکیل‌دهنده‌ی ذهنیت ما هستند و سبب استحکام ذهنی‌مان خواهند شد.»

بلوم عمیقاً قدردان ویلیام شکسپیر بود و او را قلب تپنده‌ی ادبیات غرب می‌دانست. او در ویرایش نخست کتاب «اضطراب تأثیر» به‌صورت کامل از شکسپیر چشم‌پوشی کرد. چراکه آن زمان تصور می‌شد او به‌هیچ‌وجه تحت تأثیر مشکلات روان‌شناختی اضطراب نبوده است. در ویرایش دوم، که سال ۱۹۹۷ منتشر شده بود، مقدمه‌ای طولانی اضافه شد که در آن به توضیح بدهی شکسپیر به اوید و چاسر و کشمکش‌های او با هم‌عصرش کریستوفر مارلو^۱، که با در هم شکستن مفاهیم کلیسایی و اخلاقی راه را برای شکسپیر هموار کرد، پرداخته است.

بلوم در بازنگری بعدی خود تحت عنوان «شکسپیر: آفرینش انسان» (۱۹۹۸)، برای هر یک از سی‌وهشت نمایشنامه‌ی شکسپیر، که بیست‌وچهار عدد از آن‌ها جزو شاهکارهای هنری هستند، تجزیه و تحلیل و نقدی را ارائه داد. بлум در خود اثر نیز همانند عنوان کتاب ادعا می‌کند که شکسپیر بشریت را اختراع کرده است. به این‌صورت که شکسپیر با توصیه‌ی اکید به شنیدن سخنان درونی‌مان باعث بروز تحولاتی در ما شده است. دو مثال او

برای این مدعا سِر جان فالستاف^۱ در نمایشنامه‌های هنری چهارم و هملت بوده است که بلوم شخصیت جان فالستاف در این دو اثر را به ترتیب از خودراضی و بیزار از خود می‌داند. در آثار شکسپیر امکان داشت شخصیت‌های نمایشنامه‌های مختلف را کنار یکدیگر و در حال تعامل با یکدیگر رؤیت کنیم. این امر به منزله‌ی بازگشت به نقد شخصیتی ازمدافاده‌ی مورد استفاده‌ی اندرو بردلی^۲ و دیگران بود که به‌وضوح کتاب را تحسین می‌کنند، اما به‌وسیله‌ی بسیاری از اساتید دانشگاهی و منتقدان معاصر تقبیح شده است. بلوم در کتاب‌های نقد غربی‌اش به نقد مکتبی که آن را مکتب ناخشنودی می‌نامید، می‌پردازد. این مکتب از مثال شکسپیر برای تشریح خویش بهره می‌گیرد و می‌گوید به دلیل این‌که آن‌ها قادر به رویارویی و برابری با غولی زیبا و درعین‌حال جهانشمول همچون شکسپیر نبودند، به تقسیم مطالعه‌ی ادبیات به بخش‌های چندفرهنگی و تاریخی می‌پرداختند. بلوم با اثبات محبوبیت منحصربه‌فرد شکسپیر در سراسر جهان، او را به‌عنوان تنها نویسنده‌ی چندفرهنگی معرفی می‌کند. بلوم ضمن تکذیب انرژی‌های برآمده از اجتماع، که تاریخدانان اقتدار شکسپیر را مرتبط با آن می‌دانند، اعلام می‌کند که دشمنان آکادمیک شکسپیر و درواقع تمام اجتماع پیرامون‌مان تقلیدی از انرژی‌های شکسپیری هستند.

بلوم کار خود را با انتشار کتاب‌های چرا و چگونه بخوانیم (۲۰۰۰) و نبوغ: سیمای یکصد نابغه‌ی سخن (۲۰۰۳) ادامه داد. کتاب هملت: شعر بیکران (۲۰۰۳)، تصحیحی بر کتاب شکسپیر: آفرینش انسان بود. در کتاب کجا می‌توان خرد را یافت؟ (۲۰۰۴) برخی از عناصر نقد مذهبی با نقد سکولار را ادغام می‌کند و در کتاب عیسی و یهوه: نام‌های الهی (۲۰۰۵) شاهد نسخه‌ی کامل‌تری از نقد مذهبی هستیم. او در طول این دهه چندین مجموعه شعر را نیز گردآوری، ویرایش و معرفی کرد.

1. Sir John Falstaff

2. Andrew Cecil Bradley

بلوم در فیلم مستند *ظهور کلیسای ابدی* (۲۰۰۶) ساخته‌ی پل فستا^۱ شرکت کرد. محوریت این مستند واکنش افراد مختلفی بود که برای نخستین بار قطعه‌ی *ظهور کلیسای ابدی* اثر الیویه مسیان^۲ با ساز ارگ را می‌شنیدند. سپس بلوم کار روی کتابی را آغاز کرد که هنگام نگارش آن را *هزارتوی زناده* نامید و تمرکز این کتاب روی شکسپیر و والت ویتمن بوده است. این کتاب سال ۲۰۱۱ تحت عنوان *آنانومی تأثیر: ادبیات به عنوان راه و روش زندگی*، منتشر شد. بلوم پس از انتشار کتاب *آنانومی تأثیر* و پایان نگارش کتاب *سایه‌ی یک سنگ بزرگ*، در جولای ۲۰۱۱ همزمان روی سه پروژه‌ی دیگر نیز مشغول کار بود که تمرکز آن پروژه‌ها روی نویسندگانی همچون امرسون و فاکتر بود.